

ایمان و علم در سوره مبارکه

چکیده

در این مقاله سعی شده اصطلاحاتی که ممکن است هر دبیر در مطالعه کتب قدیمی با آن‌ها برخورد کند، شرح داده شود. دانستن بعضی از این اصطلاحات، که شاید در بدو امر از اصطلاحات علوم دیگر به نظر برسد، گره‌گشای معنای بسیاری از کتب حوزه ادبیات خواهد شد.

کلیدواژه‌ها:

چهار عنصر طبیعی، مزاج، سرد مزاج، گرم‌مزاج، صفراپی مزاج، سودایی مزاج، خلط، دارو، درجات داروها، عرض.

تأثیر اخلاط بر یکدیگر باعث پیدایش موادی با درجات متفاوت می‌شود که هر کدام جایگاهی پیدا می‌کنند؛ مثلاً اول گرم و دوم خشک و...

تحت تأثیر چهار خلط عادی، پنج خلط دیگر متولد می‌شود. بر این اساس، ما در طبیعت در عمل با نه خلط روبه‌رو شویم؛ یعنی با موجوداتی برخورد می‌کنیم که یا صاحب هر چهار عنصر به‌طور مساوی‌اند که به آن‌ها معتدل می‌گویند، یا مزاج‌های ترکیبی غیرمعتدل دارند، که به آن‌ها سرد، گرم، خشک و یا تر، یا گرم و مرطوب-سرد خشک یا... گویند. با تغییر مقدار یا کیفیت هر یک از عناصر، درجات چهارگانه به وجود می‌آیند که به آن‌ها درجه اول، دوم، سوم و چهارم گویند. برای هر درجه، عرضی سه‌گانه در نظر گرفته‌اند. و به این ترتیب، ما با مواد و داروهایی برخورد می‌کنیم که دارای درجات دوازده‌گانه‌اند.

درجات داروها (عباس‌آباد عربی، ۱۳۸۶: مقدمه)

داروی معتدل: اگر دارویی پس از ورود به بدن و هضم تغییر محسوس در بدن ایجاد نکند و برای ایجاد تغییر محسوس در بدن مجبور باشیم آن دارو را تکرار کنیم یا مقدار آن را افزایش دهیم، به آن داروی معتدل گفته می‌شود. درجه اول: اگر دارویی در بدن تغییرات اندک و مخفی به‌وجود آورد و برای تأثیرگذاری، نیاز به تکرار آن دارو باشد، درجه اول محسوب می‌گردد.

درجه دوم: اگر دارو تأثیرش خفی نباشد و در بدن اثر محسوس داشته باشد، آن را درجه دوم می‌گویند.

درجه سوم: دارویی در این دسته قرار می‌گیرد که بعد از ورود به بدن نهایت تغییرات را با توجه به متابولیسم خود در بدن ایجاد کند ولی این تغییرات باعث فساد بدن نشود.

درجه چهارم: دارویی در این درجه قرار می‌گیرد که به محض ورود به بدن باعث فساد آن شود و ما به پادزهر آن نیاز پیدا کنیم. البته غذاها نیز از این قاعده مستثنی نیستند. چون بیشتر داروها به‌جز آن‌ها که جزء کانی‌ها هستند، منشأ غذایی دارند. مثل: زعفران، پونه، ریحان، گوشت‌های حیوانات گوناگون.

اعراض درجات: برای هر درجه سه عرض در نظر گرفته‌اند و آن‌ها از این قرارند:

درباره عناصر پیدایش جهان اظهارنظرهای فراوانی شده ولی قریب به اتفاق صاحب‌نظران، این حادثه را وابسته به چهار عنصر آب، خاک، هوا و آتش می‌دانند که عواملی چون شدت تأثیر این عناصر برهم، کمیت و کیفیت آن‌ها و همچنین ترتیب اثرگذاری به امر پروردگار طبیعت رنگارنگ را ایجاد کرده است.

عناصر چهارگانه و رابطه با اخلاط

آب، خاک، باد و آتش چهار عنصر اصلی طبیعت‌اند. قدما به هر یک از چهار عنصر دو صفت نسبت می‌دهند که از نظر علمی این امر تأیید شده است. آن صفات به این ترتیب عبارت‌اند از:

آب: سرد و تر
خاک: سرد و خشک
هوا: گرم و تر
آتش: گرم و خشک

پیرو مطالب گفته شده، چون بدن انسان از عناصر چهارگانه بالا درست شده است، پس متناسب با آن عناصر، چهار خلط آن به‌وجود می‌آید.

خلط «ماده‌ای است مرطوب و روان که از غذاها در مرحله نخستین هضم به‌وجود می‌آید.» (ابوعلی سینا، ۱۳۶۶: ۲۸)

در حالت معمولی موجوداتی داریم که یا صاحب چهار خلط به‌صورت تقریباً برابرند که آن‌ها را معتدل و میانه‌رو می‌خوانند، یا این که یک خلط، بقیه اخلاط آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده یا دو یا سه خلط نسبت به دیگر خلط‌ها تأثیرگذارترند. متناسب با این امر، موجوداتی ۲ با مزاج‌های گوناگون شکل می‌گیرند.

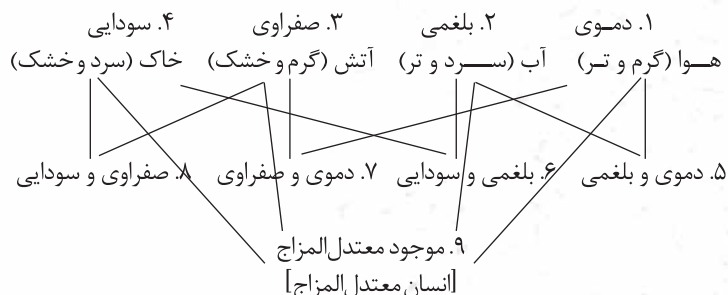
نمودار بعد رابطه تأثیر اخلاط بر یکدیگر و در نتیجه، پیدایش اخلاط نه‌گانه را نشان می‌دهد.

محمد رضا عباس‌آباد

عربی

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی، دبیر ادبیات دبیرستان‌های جویین خراسان رضوی

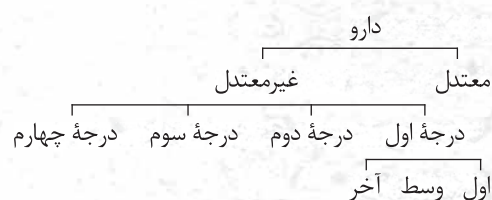
نمودار رابطه اخلاط



زمان مکان و ماده و نور و رنگ و تمام اجسام و اشیای مخلوق که تا این حد حقیقی و واضح و جدا از هم به نظر می آیند، اگر با وسایل فیزیکی به دقت در آن‌ها غور شود، سرانجام به عناصر اربعه خواهیم رسید [سر آرقوادینگتن (صنایع، ۱۳۸۰: ۲۳)]

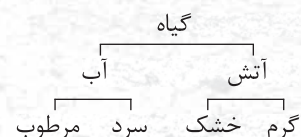
آب، خاک، باد و آتش چهار عنصر اصلی طبیعت‌اند. قدما به هریک از چهار عنصر دو صفت نسبت می‌داده‌اند که از نظر علمی این امر تأیید شده است. آن صفات به این ترتیب عبارت‌اند از: آب: سرد و تر خاک: سرد و خشک هوا: گرم و تر آتش: گرم و خشک

انسان صفراوی مزاج: صفرا < ۳ دم، بلغم، سودا
 انسان دموی مزاج: دم < بلغم، سودا، صفرا
 انسان بلغمی مزاج: بلغم < سودا، صفرا، دم
 انسان سودایی مزاج: سودا < صفرا، دم، بلغم



مفهوم در اول گرم یا...

یعنی دارو یا غذا در همان مرحله اول ورود به بدن، یک درجه گرم است و باعث تحریک مزاج گرم بدن و در نتیجه تحریک صفراوی مزاج‌ها می‌شود. غذا یا دارویی که در درجه دوم، مثلاً از نظر گرمی، قرار می‌گیرد، یعنی این که دو درجه گرمی دارد و اگر در درجه سوم باشد، یعنی گرمی آن سه درجه است. اگر گیاهی در وسط خشک یا تر یا سرد باشد، به معنی این است که درجه خشکی یا تری یا گرمی آن در درجه وسط است. نمودار زیر رابطه گیاه و مزاج‌ها را نشان می‌دهد.



تقسیم‌بندی مزاج‌های آدمیان

معتدل المزاج: آن‌هایی هستند که چهار خلط در بدن آن‌ها رابطه مساوی برقرار کرده‌اند. انسان معتدل المزاج: سودا = بلغم = دم = صفرا پس، به انسانی می‌توان معتدل المزاج گفت که نسبت اخلاط چهارگانه در بدن او برابر باشد و کمیت و کیفیت هیچ کدام بر دیگری غلبه نکنند. این رابطه در موجودات نیز برقرار است. اگر در بدن موجود تعادل اخلاط به هم بخورد، موجودات صفراوی مزاج یا دموی مزاج یا... پدید می‌آیند. در زیر به بررسی این رابطه‌ها در انسان‌ها می‌پردازیم. انسان صفراوی مزاج به انسانی گفته می‌شود که کمیت و کیفیت صفرا در بدن او بیشتر از بقیه اخلاط است و از رابطه زیر پیروی می‌کند.

اعتدال اعضای داخلی بدن

قلب: اعتدالش به حرارت است. (آتش)
 استخوان: اعتدالش به خشکی است. (خاک)
 مغز: اعتدالش به تری است. (آب)
 اعصاب: اعتدالش به سردی است. (هوا)
 امید است، خواننده این مطالب با قلبی گرم، استخوانی خشک، مغزی تر و اعصابی سرد به این اندک بنگرد.

پی‌نوشت

۱. در کتب درسی نیز با این اصطلاحات برخورد می‌کنیم؛ از جمله در درس اول ادبیات فارسی ۱.
۲. این گونه برداشت از گیاهان برای ما آشناتر است همچنان که می‌گوییم به عنوان مثال: زعفران گرم و پر تقال سرد و...
۳. یعنی مقدار صفرا و یا شدت تأثیر صفرا بر دیگر عناصر بیشتر است.

منابع

۱. صنایع، صفدر؛ نسخه شفا (با معالجه با گیاهان طبی)، انتشارات عطایی، ۱۳۸۰.
۲. عباس‌آباد عربی، محمدرضا؛ بررسی تحفه حکیم مؤمن (پایان نامه)، دانشگاه آزاد واحد سبزوار، تابستان ۸۶.
۳. الصحه ابن بطالان بغدادی، ترجمه تقویم، مترجم: نامعلوم، تصحیح غلامحسین یوسفی، ج ۲، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
۴. مؤمن حسینی طبیب، محمد؛ تحفه حکیم مؤمن، با مقدمه محمود نجم‌آبادی، تهران، نشریات کتاب فروشی مصطفوی، ۱۳۳۸.
۵. ابوعلی سینا؛ دانشنامه در علم پزشکی، با مقدمه مهدی محقق، مؤسسه مطالعات اسلامی، دانشگاه مل‌گیل شعبه تهران، ۱۳۶۶.
۶. خلیلی، محمد؛ طب الصادق، مترجم: نصیرالدین امیر صادقی، چاپ پانزدهم، تهران، انتشارات عطایی، ۱۳۷۵.
۷. نرم‌افزار گیاهان دارویی، صد ۱۰۰ نسخه گیاه دارویی، ناشر ایران سیمیا iran_sima_software@yahoo.com
۸. نرم‌افزار لغت‌نامه دهخدا. نسخه ۲، براساس لغت‌نامه کامل دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، مجری طرح: مؤسسه فرهنگی ویستا آرا، کنترل و ویرایش: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.